



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۷ دی ۱۴۰۳

مصادف با: ۵ رجب ۱۴۴۶

جلسه: ۲۰

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - تفاوت‌های آیه ۵۸ و آیه ۱۶۱ سوره اعراف - تفاوت پنجم، ششم و هفتم -

بخش‌های دوگانه آیه ۵۹ - بخش اول - مطلب اول - سه احتمال در مورد «بدل» -

احتمال اول - احتمال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

از آیه ۵۸ مطلبی باقی مانده که آن را ذکر کنیم و ان شاء الله وارد بحث از آیه ۵۹ شویم. ما درباره تفاوت‌های این آیه با نظیر و شبیه آن در سوره اعراف سخن می‌گفتیم؛ به چهار تفاوت بین این دو آیه و وجه تفاوت اشاره کردیم. آیه ۵۸ سوره بقره این بود: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». در سوره اعراف آیه ۱۶۱ این چنین آمده است: «وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَّقُولُوا حِطَّةً وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». همانطور که ظاهر این دو آیه نشان می‌دهد، تفاوت‌های جزئی بین این دو آیه مشاهده می‌شود؛ ما در جلسه گذشته به چهار تفاوت اشاره کردیم.

تفاوت پنجم

تفاوت پنجم این است که در سوره بقره کلمه «رغدا» ذکر شده اما در سوره اعراف بدون کلمه «رغدا» ذکر شده است. چرا در سوره اعراف «رغدا» حذف شده است؟

پاسخی که برخی از مفسرین داده‌اند، این است که خداوند تبارک و تعالی در سوره بقره فعل را به خودش اسناد داده اما در سوره اعراف فعل به خداوند اسناد داده نشده است؛ چون این چنین است، در سوره بقره کلمه «رغدا» (که به معنای فراوان و بسیار است) ذکر شده اما در سوره اعراف این کلمه نیامده است. این نظیر پاسخی است که در تفاوت چهارم گفتیم؛ در تفاوت چهارم گفتیم در آیه ۵۸ سوره بقره می‌گوید «نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ» اما در سوره اعراف می‌گوید «نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ». آنجا گفتیم فرق خطیئات و خطایا چیست، و وجه تفاوت بین این دو چیست؛ دقیقاً همان مطالب در این مورد هم قابل ذکر است.

تفاوت ششم

تفاوت ششم در تقدیم و تأخیر دو جزء از این آیه است؛ در سوره بقره می‌فرماید: «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّقُولُوا حِطَّةً»، اما در سوره اعراف می‌فرماید: «وَّقُولُوا حِطَّةً وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا»؛ اینجا امر به دخول و سپس قول حطه، اما در سوره اعراف برعکس این را بیان کرده است. دلیل این تأخیر در سوره اعراف چیست؟

اینجا گفته شده با توجه به اینکه بنی اسرائیل دو گروه بودند؛ یک گروه از آنها از مدنیین و گروه دیگر غیر مدنیین، بنابراین تکلیف مدنیین و غیر مدنیین متفاوت است. گناهکاران قبل از آنکه به عبادت مشغول شوند، می‌بایست استغفار و توبه کنند تا گناهان آنها از بین برود و آنگاه به عبادت مشغول شوند؛ این هم روشن است که توبه بر گناه تقدم دارد. لذا «وَّقُولُوا حِطَّةً وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا» با ملاحظه این گروه بیان شده است؛ اول توبه (معنای حطه را هم گفتیم که به چه معناست) و بعد هم

دخول در باب در حال سجده؛ یعنی اول توبه و بعد عبادت. اما کسانی که مذنب محسوب نمی‌شدند، چون عده اندکی در بنی اسرائیل گرفتار گناه و ذنب نبودند، آنها اول به عبادت می‌توانستند مشغول شوند؛ لذا تقدم عبادت بر توبه در مورد آنها هیچ محذوری ندارد. اصل اینکه توبه در مورد آنها ممکن است و حتی اهل عبادت هم می‌توانند توبه کنند، یک امری است که نه تنها محذوری ندارد بلکه مطلوب است.

با ملاحظه این مطلب که یک گروه می‌بایست اول توبه و بعد عبادت کنند، و گروه دوم می‌توانستند اول عبادت داشته باشند و بعد توبه، در سوره اعراف که فرموده «وَقُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا» ناظر به گروه مذنبین است؛ یعنی کسانی که گناهکار بودند. اینها طبیعتاً اول باید استغفار می‌کردند و سپس اهل عبادت می‌شدند. اما در سوره بقره فرمود: «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً»، اینجا مخاطب را گروه غیرمذنبین فرض کرده است. لذا گویا حکم یک گروه را در سوره بقره فرموده و حکم گروه دیگر را در سوره اعراف ذکر کرده است.

تفاوت هفتم

آخرین تفاوتی که بین این دو آیه وجود دارد، در ذیل این آیه است؛ در سوره بقره می‌فرماید: «وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»، اما در سوره اعراف بدون «و» می‌فرماید: «سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». چرا یک جا بدون «و» و یک جا با «و» ذکر کرده است؟ این در واقع برمی‌گردد به یک نکته ادبی؛ در سوره اعراف فرموده «وَقُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا» یعنی اول اشاره به توبه و بعد دخول در حال سجده که اشاره به عبادت دارد. برای این دو امر، دو جزاء هم ذکر شده است؛ یکی «نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ» و دیگری «سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». یعنی کأن «نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ» در مقابل «وَقُولُوا حِطَّةً» واقع شده؛ «سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» در مقابل «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا»، یعنی دو امر و دو جزاء. هر یک از اینها در مقابل دیگری قرار گرفته است. اما در سوره بقره می‌فرماید: «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»؛ اینجا مجموع مغفرت و زیاده برای محسنین، در مقابل مجموع قرار گرفته «وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ» قرار گرفته است. چون این مجموع در مقابل آن مجموع است، لذا اینجا کلمه «و» آورده است.

پس علت اینکه در سوره بقره با «و» آمده و در سوره اعراف بدون «و» آمده، این است که آنجا دو جزاء است در مقابل دو امر، اینجا مجموع در مقابل مجموع قرار گرفته است.

البته این تفاوت‌هایی که اشاره شد، بین آیه ۱۶۱ سوره اعراف و آیه ۵۸ سوره بقره است؛ در ادامه بین آیه ۱۶۲ سوره اعراف و آیه ۵۹ سوره بقره، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. بعد از تبیین و تفسیر آیه ۵۹ شباهت‌های این دو آیه معلوم می‌شود؛ تفاوت‌های این دو آیه را هم بعداً اشاره می‌کنیم.

این تقریباً حاصل مطالبی بود که در مورد آیه ۵۸ ذکر کردیم.

بخش‌های دوگانه آیه ۵۹

اما آیه ۵۹: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ». این آیه مشتمل بر دو بخش و هر بخش مشتمل بر مطالبی است.

بخش اول: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ». حداقل سه مطلب باید درباره این بخش ذکر کنیم.

بخش دوم: «فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ». بخش دوم هم مشتمل بر چهار مطلب است.

یعنی مجموعاً در آیه ۵۹ باید هفت مطلب را ذکر کنیم.

بخش اول

معنای بخش اول روشن است؛ در آیه ۵۸ سخن از دستورات خداوند به بنی اسرائیل است؛ بعد از آن مقدمات که امر به دخول در این قریه می‌کند، امر به استفاده از نعمت‌های فراوانی که آنجا وجود دارد و کیفیت ورود و دخول در آن را هم معلوم می‌کند که چند احتمال در آن بود. در آیه ۵۹ به عکس‌العمل بنی اسرائیل در مقابل این دستورات اشاره می‌کند. فرض کنید یک فرمانی مشتمل بر چند دستور از ناحیه خداوند صادر شده اما در مقابل، اینها با این فرمان‌ها مخالفت کرده‌اند. مخالفت هم نه نسبت به همه آن اوامر؛ امر اول که امر به ورود در قریه بود، اطاعت شد. چون امتثال آن امر مشکل و زحمتی نداشت؛ وارد قریه می‌شدند، آن هم با توجه به از بین رفتن موانع و خطراتی که آنها را تهدید می‌کرد؛ دیگر برای ورود به این قریه (حالا اریحا یا بیت المقدس) دیگر خطر و مشکلی نبود. «فَكَلُّوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَعْدًا» امر دوم هم امر الزامی نبود اما به هر حال رخصت در استفاده از نعمت‌های فراوان آن منطقه بود؛ دلیلی نداشت که با این امر مخالفت کنند؛ می‌خواستند از خوردنی‌ها و از همه نعمت‌های آنجا استفاده کنند. اما آن امری که اینها می‌توانستند در آن عناد و لجاجت خودشان را نشان بدهند، امر به دخول الباب سجدا و اینکه حطه بگویند؛ آن دو امر اول به نفع آنها بود و مطابق با میل آنها بود و زحمتی نداشت، لذا دلیلی برای لجاجت و عناد در آن وجود نداشت؛ لجاجت‌ها و عنادها معمولاً در جاهایی آشکار می‌شود که نفعی برای خود شخص نداشته باشد. لذا می‌گوید «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ»، اولین کاری که کردند، تبدیل کردند آن قولی را که به آنها گفته شده بود؛ این قول را تبدیل به قول دیگری کردند.

مطلب اول: معنای «بدل»

مطلب اولی که بعد از توضیح کلی در اینجا به آن اشاره می‌شود، «بدل» است که به چه معناست. سه احتمال اینجا قابل ذکر است.

احتمال اول

احتمال اول، تبدیل لفظی است؛ یعنی مخالفت در آن لفظی که خداوند فرموده است. ما قبلاً هم در بیان قسمت اول آیه ۵۸ اشاره کردیم.

پس یک احتمال این است که بدل آن قول را؛ مثلاً به جای اینکه بگویند حطه، گفتند حنطه؛ در حالی که باید عین لفظ را می‌گفتند. ما توضیح دادیم که حطه به چه معناست؛ آیا یک واژه عربی است یا عبری و مقصود از آن چه بوده است. مثلاً اینها باید می‌گفتند حطه اما می‌گفتند حنطه. واقعاً بنی اسرائیل آدم‌های عجیبی بودند؛ یعنی همین کلمه حطه را بازی در آوردند و چیز دیگری گفتند. این تبدیل لفظی بود.

احتمال دوم

احتمال دیگر این است که این تبدیل عملی است؛ یعنی مخالفت عملی. اگر مقصود مخالفت عملی باشد، یعنی اینکه اینها باید استغفار می‌کردند اما استغفار نکردند، باید توبه می‌کردند اما نکردند؛ باید با حالت تواضع و خضوع وارد آن قریه می‌شدند، اما سرها را بالا گرفتند و با گردن کشیده وارد قریه شدند. این مخالفت عملی است. مخالفت لفظی یعنی به جای اینکه بگویند حطه، گفتند حنطه؛ لفظ را تغییر دادند. حالا در اینکه آن چیزی که جایگزین حنطه کردند چیست، خود مفسرین اینجا چندین

قول را ذکر کرده‌اند. اینها براساس برخی روایات است که بعداً عرض خواهیم کرد.

بحث جلسه آینده

در «بدل» یک احتمال دیگر هم وجود دارد. حال اینکه کدام احتمال رجحان دارد، این را ان شاء الله در جلسه آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»